

بررسی تطبیقی تفسیر خطابهای "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و

"یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

محمدعلی راغبی^۱

محسن دلیر^۲

چکیده

پیامبر اعظم (ص) در قرآن کریم به صورت‌های مختلفی مورد خطاب قرار گرفته که از جمله آنها می‌توان به دو خطاب "یا ایها النبی" و "یا ایها الرسول" اشاره کرد. مفسران در اینکه مراد از این دو خطاب چیست، اختلاف نظر دارند و پنج نظر درباره آن ارائه کرده‌اند. براساس اصل عدم ترادف، مسلم است که خدای متعال از ذکر این دو خطاب، معنای خاصی را مورد نظر داشته و معنایی که برای هر خطاب در نظر داشته با خطاب دیگر متفاوت است. در این مقاله که با مطالعه‌ای روشمند به بررسی تطبیقی تفسیر دو مفسر از مفسران فریقین از این دو خطاب و نقد فنی آنها پرداختیم، روشن شد که هرگاه در قرآن کریم رسول خدا (ص) با عنوان "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" مورد خطاب قرار گرفته، "اشراف و برتری علمی" آن حضرت که وابسته به وحی است، مورد توجه بوده و هر جا خطاب به صورت "یا ایها الرسول" آمده، "حیثیت تبلیغی" آن حضرت مورد نظر بوده است.

کلیدواژه: قرآن کریم، خطاب، نبی، رسول، اشراف علمی، تبلیغ.

مقدمه

تفسیر تطبیقی به معنای مقایسه آرای تفسیری و انتخاب قول درست از میان آنهاست. مفسر در تفسیر آیات قرآن و به منظور فهم بهتر از معنای مراد، به آرای دیگر مفسران نیز عنایت دارد.

یکی از اصول زبانی قرآن کریم، عدم ترادف در میان واژه‌های آن است (بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۵۲؛ زرکشی، ۱۴۱۴: ۲/۳۶۰؛ فرحات، ۱۴۲۱: ۲۱۲)؛ زیرا، به باور مسلمانان، قرآن، هم حکیم است و هم از سوی حکیم برای ما فرستاده شده است و حکمت حکیم اقتضا دارد که هر کلامی در جای خاصی به کار رود و دو تعبیر مشابه بدون افاده معنی تازه‌ای در آن سر نزنند که در غیر این صورت حاصلی جز زیاده‌گویی و لغوگویی در بر ندارد. بر اساس این اصل، الفاظی که در قرآن کریم به ظاهر مترادف به نظر می‌رسند، هر یک حامل خصوصیات ویژه‌ای هستند که ترادف را از آنها سلب می‌کند (نجار، ۱۳۸۱: ۴۴).

بنابراین، روشن می‌شود که خدای متعال از ذکر خطاب‌های "یا ایها النبی" و "یا ایها الرسول"، معنای خاصی را مورد نظر داشته است و نیز معنایی که برای هر خطاب در نظر بوده، با خطاب دیگر متفاوت است.

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

در این مقاله تلاش شده با مطالعه‌ای روشمند و تطبیقی، تفسیر دو مفسر از مفسران فریقین درباره این دو خطاب بررسی شود و مراد از کاربرد هر یک از دو خطاب که در خصوص پیامبر خدا (ص) در قرآن کریم است، تبیین شود.

خطاب و کاربرد آن در قرآن

در هر زبانی برای اینکه شخص یا گروهی به سوی شخص یا گروه دیگر رو کرده و به سخن ایشان توجه کنند و سخن مورد نظر در ایشان تأثیر کند، از شیوه ندا و خطاب کردن استفاده می‌شود (ابن سراج، بی تا: ۳۲۹/۱؛ ابن یعیش، ۱۴۲۲: ۵/۵). در قرآن از این شیوه کلامی استفاده شده و پیش از بیان برخی از مطالب، مخاطب مورد ندا قرار گرفته است (حریری، ۱۳۸۴: ۱۳۹). خطاب‌های قرآن را به ۳۴ نوع دسته بندی کرده‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲/۳۷۴ - ۳۴۹؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/۲۵-۲۰) که چهار نوع از آنها ویژه رسول اکرم (ص) است. این خطاب‌ها عبارتند از:

۱- خطاب با فعل امر یا نهی مخاطب. از پرکاربردترین چنین خطاب‌هایی می‌توان به فعل امر "قل" اشاره کرد که بیش از سیصد بار در قرآن تکرار شده است که برخی از آنها عبارتند از: البقرة/۲۱۹، آل عمران/۲۶، النساء/۱۲۷ و ۱۷۶، الانعام/۱۹ و ۶۴ و ۹۱ و ۱۵۸، الاعراف/۱۹۵، الانفال/۱، التوبة/۶۴ و ۱۰۵، و یونس/۲۱.

۲- خطاب با فعل نهی غایب، مانند «فلا یحزنک قولهم ...» (یس/۷۶).

۳- خطاب با ضمیر مخاطب مثل خطاب موجود در آیه اول سوره کوثر و آیه دوم سوره

قلم.

۴- خطاب با اوصاف ویژه آن حضرت، مثل خطاب موجود در آیات اول سوره‌های

مزمّل و مدثر و آیه اول سوره احزاب (شرفی، ۱۳۸۷: ۸۸).

از جمله خطاب‌های گروه چهارم، خطاب "یا ایها النبئی" و "یا ایها الرسول" است که اولی، سیزده و دومی، دو بار (الحفنی، ۲۰۰۴: ۱/۲۴۹) و تنها در سوره‌های مدنی قرآن کریم به کار رفته، مثل سوره‌های تحریم، طلاق و احزاب که با خطاب "یا ایها النبئی" آغاز شده‌اند

(مطهری، ۱۳۵۹: ۷۶/۸). مطالعه آیات قرآن نشان می‌دهد که در میان پیامبران خدا، کس دیگری غیر از آن حضرت (ص) با چنین عناوینی مورد خطاب قرار نگرفته (محسنی رکاوندی، ۱۳۸۶: ۴۵). البته باید به این نکته اشاره کنیم که این خطاب یک بار به صورت جمع "یا ایها الرسل" (مؤمنون/۵۱) برای جمع پیامبران به کار رفته و مخاطب آن متوجه یک پیامبر خاص نیست.

نظر مفسران و نقد آنها

در ترجمه‌های قرآن به فارسی دو خطاب "یا ایها النبی" و "یا ایها الرسول" به یک معنا، یعنی "ای پیامبر" آمده است^۱، ولی مفسران در پاسخ به پرسش که: "تفسیر خطاب‌های یا ایها النبی و یا ایها الرسول در آیات قرآن چیست؟" نظرات مختلفی را طرح کرده‌اند. این نظرات را می‌توان در شش گروه دسته بندی کرد:

۱- این نوع خطاب به رسول گرامی اسلام (ص) برای بزرگداشت آن حضرت (ص) و نیز آموزش چگونگی سخن گفتن با رسول خدا (ص) به بندگان است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۳۱/۲۵).

خدای متعال در قرآن کریم آن حضرت را به صورت "یا محمد" مورد ندا قرار نداده، بلکه برای تعظیم و بزرگداشت، آن حضرت را به صورت "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" خطاب کرده که این عنوان مخصوص آن حضرت است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۳۵۷/۲).

۱- در مراجعه به ترجمه‌های مختلف قرآن، از ۲۴ ترجمه، مواردی بسیار نادری یافت می‌شود که میان ترجمه خطاب "یا ایها النبی" و "یا ایها الرسول" در آنها تفاوتی وجود داشته باشد، بلکه در قریب به اتفاق آنها یک تعبیر از این دو خطاب در ترجمه آمده است؛ ترجمه‌های آیتی، ارفع، اشرفی، الهی قمشهای، انصاریان، بروجردی، پاینده، پورجوادی، خسروی، خواجه‌ای، فارسی، طاهری، فولادوند، فیض الاسلام، کاویانپور، گرمارودی، مجتبی، مصباح زاده و انصاری، تعبیر مشترکی برای ترجمه این دو خطاب آمده است. در ترجمه شعرانی نیز تعبیر مشترکی برای هر دو خطاب آمده و تنها در یک آیه (ممتحنه/۱۲) برای خطاب "یا ایها النبی" از عبارت "ای نبی" استفاده شده است. در ترجمه‌های مشکینی، حلبی و مکارم در آیه ۴۱ سوره مائده خطاب "یا ایها الرسول" به صورت "ای فرستاده" ترجمه شده، ولی همین خطاب در آیه ۶۷ همین سوره در دو ترجمه مکارم و حلبی به صورت "ای پیامبر" و تنها در تفسیر مشکینی است که به طور یکسان ترجمه شده است.

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

۲- خداوند با خطاب "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در سوره‌های مدنی، کمال اقتدار و عظمت ریاست جامعه مسلمان و حکومت اسلام، یعنی پیامبر (ص) را نشان می‌دهد. خطاب‌های "یا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ" و "یا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ" خطاب روزهای تنهایی و نگرانی پیامبر (ص) و خطاب‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" خطاب روزهای اقتدار و عظمت پیامبر اسلام (ص) هستند (شریفی، ۱۳۸۷: ۹۰).

نقد: اگرچه این دو نظر از جهتی می‌توانند قابل پذیرش باشند، ولی مخصوص یکی از دو عنوان نیستند، در صورتی که کاربرد هر عنوان بار معنایی ویژه خود را به همراه دارد.

۳- خطاب‌های همراه با امر و نهی، با بکارگیری عنوان "نبی" و خطاب‌های بدون امر و نهی با به کارگیری عنوان "رسول" به کار رفته است (بقاعی، بی تا: ۲۷۹-۲۷۷).

برای خطاب‌های بدون امر و نهی به آیه «محمد رسول الله والذین معه» (فتح / ۲۹) استشهاد شده و برای خطاب‌های دارای امر و نهی آیات «یا ایها النبی اتق الله» (احزاب / ۱)؛ «یا ایها النبی حرص المؤمنین علی القتال» (الأنفال / ۶۵)؛ «یا ایها النبی إذا طلقتم النساء» (الطلاق / ۱) و «یا ایها النبی لم تحرم ما أحل الله لك» (التحریم / ۱)، «یا ایها النبی جاهد الكفار والمنافقین» (التوبة / ۷۳)، «یا ایها النبی إذا جاءك المؤمنات» (الممتحنة: / ۱۲) را شاهد آورده‌اند.

نقد: بررسی آیاتی که شامل این عناوین هستند، نظر فوق را تأیید نمی‌کند، چون در کل قرآن تنها در دو مورد در سوره مائده، خطاب "یا ایها الرسول" آمده است و اگرچه در یکی، خطاب، تسلیت دهنده و در دیگری خطاب، هدایت بخش است، ولی در هر دو مورد امر و نهی وجود دارد. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«یا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» (مائده / ۴۱). و «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» (مائده: / ۶۷).

بنابر این، اختصاص مذکور به خطاب "یا ایها النبی" اختصاص درستی نیست.

۴- گروهی از مفسران با توجه به آیات «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ» و "یا أَيُّهَا

الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُتِرَ لَكَ مِنْ رَبِّكَ» موضوع خطاب‌هایی را که متوجه پیامبر اکرم (ص) شده، به شخصی و عمومی تقسیم کرده و معتقد شده‌اند که آن حضرت (ص) در موضوعات شخصی با عنوان "نبی" و در موضوعات عمومی با عنوان "رسول" مورد خطاب قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۵۵۳ - ۵۵۲؛ شرف‌الدین، ۱۴۲۰: ۲/۲۰۱). این نظر به آیت الله جوادی آملی نیز نسبت داده شده است (محسنی رکاوندی، ۱۳۸۶: ۴۶).

نقد: اگر بپذیریم خطاب‌های "یا ایها النبى" در ۱۳ آیه، خطابى شخصى است، امکان ندارد قبول کنیم که خطاب‌های "یا ایها الرسول" در دو خطاب قرآنى مذکور عمومى هستند. افزون بر این، اگر دو آیه متضمن "یا ایها الرسول" را خطاب‌هایی شامل مطالب عمومى به شمار آوریم، مناسب است که آیات «یا ایها النبى حرّض المؤمنین علی القتال» (الأنفال / ۶۵)، «یا ایها النبى قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَى» (انفال / ۷۰) و «یا ایها النبى إذا طلقتم النساء» (الطلاق / ۱) را هم خطاب‌هایی عمومى بدانیم. زیرا از نظر صیغه امر بودن، تفاوتی میان "بَلَّغْ" و "حرّض" و "قُلْ" و «إِذَا طَلَّقْتُمْ» وجود ندارد. بنابر این، تفاوت ذکر شده جایگاه قرآنى ندارد. قابل توجه است که از معتقدان به این نظریه عدم عمومیت آن نقل شده است؛ چنانکه از سیوطی نقل شده: «گاهی در برخی آیات که در مقام تشریح عام است، خطاب "یا ایها النبى" به کار رفته است» (محسنی رکاوندی، ۱۳۸۶: ۴۶). ایشان در مقام توجیه این عدم عمومیت به وجود قرینه در چنین مواردی استناد کرده‌اند.

۵- هرگاه رسول خدا (ص) با عنوان "یا ایها النبى" مورد خطاب قرار گیرد، مقصود از آن پیامبر خدا (ص) و گروه مؤمنان و همه مسلمانان است و هرگاه با عنوان "یا ایها الرسول" مورد خطاب قرار گرفته باشد، شخص رسول خدا (ص) به تنهایی مورد نظر است (الحفنی، ۲۰۰۴: ۲۴۹/۱).

نقد: اشکالی در این سخن نیست که هر جا در قرآن خطاب به صورت "یا ایها الرسول" آمده، متوجه شخص رسول خدا (ص) است، ولی عمومیت این نظر را که هر جا خطاب به صورت "یا ایها النبى" آمده، مقصود از آن پیامبر خدا (ص) و همه مسلمانان است، نمی‌توان پذیرفت، زیرا در آیاتی چون «یا ایها النبى إِنْ أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا» (احزاب / ۴۵)،

بَلَّغْ مَا أُتِرَ لَكَ مِنْ رَبِّكَ

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

«یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب / ۲۸)، و «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ... فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ» (ممتحنة / ۱۲) مسلماً مقصود به مخاطب شخص رسول خدا (ص) است.

۶- خطاب "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" به علم رسول خدا (ص) به اسرار تحلیل و تحریم اشاره دارد (قاسمی، ۱۴۱۸: ۲۶۶/۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۸: ۴۶۸/۱۴) و خطاب "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" اشاره است به اینکه رسول بودن آن حضرت، دلیل وجوب عمل به دستورات تبلیغی اوست (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۹۲/۴).

این نظر بر پایه معنای لغوی دو واژه "نبی" و "رسول" استوار است و شواهدی برای آن می‌توان ذکر کرد که جا دارد مورد بررسی قرار گیرند.

نقد: برخی از معانی لغوی این دو واژه با معنای ذکر شده برای خطاب "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" سازگار نیستند و در عین حال، باید سوال کرد که: آیا اگر "نبی" دستوری بدهد، عمل به آن واجب نیست؟

با توجه به دلایل و نقدهای ذکر شده، لازم است معنای دو واژه "نبی" و "رسول" از نظر لغوی، کاربرد قرآنی و در روایات و اصطلاح کلامی روشن شود، تا تصمیم‌گیری در رد یا پذیرش نظر ششم روشمند و بر پایه علمی استوار باشد.

مفهوم لغوی نبی و رسول

از نظر لغوی واژه "نبی" یا از "نبوة" و "نباوة" به معنای "ارتفاع" و "بلندی زمین" گرفته شده که در این صورت معنای آن اشراف و برتری آن حضرت (ص) بر دیگر خلایق است و یا از "نَبَأٌ نَبَأٌ" به معنای "خبر" مشتق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۱۶۳). این واژه که بر وزن فعلیل است، اگر از ریشه "نبا" گرفته شده، ممکن است دارای یکی از دو معنا باشد:

الف- معنای فاعلی که مراد از آن "خبر دهنده" است، زیرا "نبی" از جانب خدا خبر می‌دهد؛ مثل: «نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (به بندگان من خبر ده که فقط منم غفور و رحیم) (حجر / ۴۹).

روش‌های تفسیر تطبیقی

ب- معنای مفعولی که مراد از آن "خبر داده شده" است، زیرا به "نبی" از جانب خدا خبر داده می‌شود، مثل: «تَبَّأْنِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ» (تحریم/۳). خدای علیم و خیر به من خبر داد.

لغت‌شناسان بر این باور هستند که مراد از این واژه در قرآن مجید، معنای فاعلی است، لذا آن را در صحاح، قاموس، مصباح و اقرب الموارد "المخبر عن الله" معنی کرده‌اند (قرشی، ۱۴۱۲: ۸/۷).

با مطالعه لغت‌نامه‌ها و جمع‌بندی نظرهای طرح شده در آنها، روشن می‌شود که برای واژه "رسول" دو معنای پیام آور و فرستاده شده ذکر شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۹۱/۳).

کاربرد نبی و رسول در قرآن

واژه "نبی" و هم‌خانواده‌های آن به صورت جمع و ... ۸۰ بار و واژه "رسول" و هم‌خانواده‌های آن، مثل "مرسل" و نیز به صورت جمع و ... ۳۶۸ بار در قرآن کریم تکرار شده‌اند، اما واژه "النبی" یعنی به صورت معرفه، ۲۹ بار در قرآن تکرار شده و تنها برای پیامبر گرامی اسلام (ص) به کار رفته، در صورتی که واژه "الرسول" به صورت معرفه ۵۱ بار در قرآن کریم به کار رفته است که این کاربردها اختصاص به پیامبر گرامی اسلام (ص) ندارد و در سه مورد، یعنی آیه ۵۰ سوره یوسف برای فرستاده فرعون به نزد حضرت یوسف (ع) و آیه ۹۶ سوره طه و ۱۶ سوره مزمل برای حضرت موسی (ع) به کار رفته است.

بررسی کاربرد واژه‌های "نبی" و "رسول" در قرآن، نشان می‌دهد که این دو واژه مترادف نیستند، زیرا واژه "الرسول" در قرآن کریم، از دو معنای لغوی "رسول" که پیش از این بیان شد، در معنای مطلق فرستاده شده، به کار رفته، چه فرستاده خدا و چه فرستاده شخص دیگر، ولی واژه "نبی" تنها برای پیامبران خدا و به صورت "النبی" یعنی معرفه، تنها برای رسول گرامی اسلام (ص) به کار رفته است.

قرآن کریم تصریح می‌کند که ویژگی "نبی" نزول وحی بر اوست: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ

پندش
ای
شیر
نی

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

وَ عِيسَى وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا» (ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان - دارای مقام نبوتشان - و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم و به داود، زبور دادیم) (النساء / ۱۶۳).

قرآن کریم، ویژگی رسولان الهی را، همراهی با نشانه‌های پیامبری - بینات - و کتاب الهی اعلام می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» (همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان - تشخیص حق از باطل - نازل کردیم) (الحديد / ۲۵).

بنابر این، می‌توان اشتراک و افتراق معنای این دو واژه را در کاربرد قرآنی، نزول وحی به عنوان اشتراک و همراهی و عدم همراهی نشانه پیامبری و کتاب آسمانی و معیار تشخیص حق از باطل در "رسول" و "نبی" دانست.

مفهوم نبی و رسول در احادیث

تفاوت معنایی دو واژه و دو اصطلاح قرآنی "رسول" و "نبی" از سوی اصحاب ائمه معصومین (ع) نیز مورد توجه بوده و افرادی همچون محمد بن علی بن نعمان معروف به ابوجعفر الاحول و مشهور به مؤمن طاق و زراره از امام باقر(ع)، برید بن معاویه العجلی از امامان باقر و صادق (ع) و حسن بن عباس معروفی از امام رضا (ع) در این باره پرسیده‌اند که روایات نقل شده از برخی از آنها صحیح ارزیابی شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴، ب: ۲/۲۹۲-۲۸۷). در این روایات، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بر اشتراک "نبی" و "رسول" در دریافت وحی تمرکز کرده و تمایز آن بزرگان را در چگونگی دریافت وحی تبیین کرده‌اند. از این روایات چنین برداشت می‌شود که "نبی" سه گونه وحی دریافت می‌کند:

الف - فرشته وحی را در خواب می‌بیند، مثل رؤیای حضرت ابراهیم و همانند رسول خدا (ص) پیش از بعثت؛

ب- گاهی در بیداری صدای فرشته وحی را می‌شنود، ولی او را نمی‌بیند؛

بررسی تطبیقی تفسیر قرآنی

ج- گاهی فرشته وحی را در بیداری می بیند، ولی صدایش را نمی شنود.

در حالی که "رسول" فرشته وحی را هم در خواب و هم در بیداری می بیند و صدای او را می شنود و او نیز می تواند با فرشته وحی سخن بگوید (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۷۷/۱ - ۱۷۶ باب الفرق بین الرسول و النبی)؛ کما اینکه درباره حضرت ابراهیم (ع) در قرآن آمده است: "وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ" (هود/۶۹) که نشان دهنده مشاهده فرشته و هم سخنی رسول با فرشته است، زیرا جریان ذکر شده در این آیه در زمانی بود که حضرت ابراهیم (ع) در سن بالا بودند و مقام رسالت داشتند.

جمع بندی مفهوم دو واژه در کاربرد قرآنی و روایی

بررسی کاربرد دو واژه "نبی" و "رسول" در قرآن کریم و روایات روشن می سازد که در کاربرد قرآنی، مفهوم واژه "رسول" اعم از "نبی" است، ولی در کاربرد روایی، مفهوم واژه "نبی" اعم از "رسول" است؛ کما اینکه مقایسه تعداد انبیا - یعنی ۱۲۴۰۰۰ نفر - با تعداد رسولان - که در روایات تنها ۱۱۳ تن اعلام شده است - این اعم بودن را تأیید می کند (مجلسی، ۱۴۰۴/الف: ۳۲/۱۱).

در بدو امر با این مقایسه، به نظر می رسد که مفهوم این دو واژه از دیدگاه قرآن و روایات، تعارض دارد. در حالی که با دقت روشن می شود که مفهوم آنها در کاربرد قرآنی و روایی از دو جهت متفاوت است؛ زیرا، در کاربرد قرآنی، جهت لغوی این دو واژه مورد توجه بوده، در حالی که در کاربرد روایی، مقام الهی این دو واژه مورد نظر است و جهت ارتباطی "نبی" و "رسول" با وحی الهی تبیین شده است.

بنابر این، همان طور که صحیح است، باید تعریف موجود در روایات به عنوان تبیین کننده آنچه در قرآن کریم آمده، به شمار آید، همان گونه که در قرآن کریم نیز می توان هماهنگی میان تعریف ارائه شده در قرآن کریم و روایات دید، زیرا چنانکه گفته شد، ویژگی "نبی" در دیدگاه قرآنی ارتباط با وحی است و در روایات نزول وحی الهی بر "نبی" تأیید و چگونگی آن توضیح داده شده که محدودتر از "رسول" است. این گستره نزول وحی بر

تأیید می شود

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

"رسول" که کامل‌تر از وحی نازل شده بر "نبی" می‌باشد، تشریح همان ویژگی است که در قرآن کریم به رسولان الهی اختصاص یافته؛ یعنی نشانه پیامبری، کتاب آسمانی و معیار تشخیص حق از باطل.

مفهوم اصطلاحی نبی و رسول

در علم کلام، درباره مفهوم اصطلاحی "نبی" و "رسول" نظریه‌های مختلفی طرح شده که با مشخص شدن معنای "نبی" و "رسول" از سه دیدگاه لغوی، قرآنی و روایی، می‌توان روایی این تعریف‌ها را ارزیابی کرد. تعریف‌های اصطلاحی ذکر شده برای "نبی" و "رسول" از نظر نوع مأموریت ذکر شده برای آنها به سه دسته قابل تقسیم هستند. قائلان به این تعریف‌ها دلایلی برای هر یک از آنها ذکر کرده‌اند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بررسی و نقد نظر نخست

گروهی بر این باورند که "نبی" تنها برای خودش مبعوث شده است (طیب، ۱۳۵۲: ۱۴۳ - ۱۴۲). پس ممکن است برخی رسولان قبلاً نبی بوده باشند و برخی پیش از رسالت نبی نباشند، ولی هر کس رسول شد، دیگر "نبی" نیست، بلکه مقام بالاتری یافته است و اطلاق مقام پایین‌تر به او صحیح نیست. طیب به معنای لغوی این واژه - یعنی خبیر که از ریشه نبأ به معنای خبر گرفته شده - استناد کرده و برای نظر خویش دو شاهد آورده است:

۱- در سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطین»، پیداست که مراد از نبوت در این حدیث پیامبری نیست، بلکه همان خبیر بودن از جانب حق تعالی می‌باشد.

۲- پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت، تابع احدی از انبیای سلف نبوده، بلکه به شریعت خود عمل می‌کرده؛ بنابراین، آن حضرت، پیش از بعثت نبی بوده، در صورتی که مخبر و رسول نبوده است (طیب، همانجا).

نقد اول: شواهد ذکر شده به نفع نظر نخست، اعم از این هستند که نبی مأمور تبلیغ شده یا نشده باشد و انحصار معنای نبی را در کسی که فقط برای خودش مبعوث شده، نمی‌رساند.

نقد دوم: دو نظر نخست، با آیات قرآن ناسازگار هستند. خدای متعال می فرماید: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ اِنَّهٗ كَانَ مُخْلِصًا وَّ كَانَ رَسُوْلًا نَبِيًّا» (مریم/۵۱). در این آیه از حضرت موسی (ع)، هم با عنوان "رسول" و هم با عنوان "نبی" یاد شده است. در حالی که اگر معنای "نبی" مطلق یا شخص مبعوث برای خویش بود، آوردن این دو عنوان در کنار هم معنایی نداشت و عنوان "رسول" کفایت می کرد و آوردن واژه "نبی" زائد و مخل بلاغت بود.

اگر کسی بگوید که این کاربرد در آیه، حمل بر ترقی از خاص به عام می شود و معنای آیه این است که موسی، اول "نبی" بود و بعداً "رسول" شد، در پاسخ گفته می شود که آیه در مقام مدح است و چنین مفهومی - ترقی از خاص به عام - با مدح تناسب ندارد. همچنین آیه «وَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُوْلٍ وَّ لَا نَبِيٍّ» (حج/۵۱) شاهد این مدعاست که در یک جمله هم "رسول" و "نبی" را ذکر کرده و هر دو را فرستاده و مرسل به شمار آورده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲). بنابر این، نظر نخست قابل پذیرش نیست.

بررسی و نقد نظر دوم

گروهی بر این باور هستند که مطلق مبعوث را "نبی" گویند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۹/۲). پس هر رسولی در عین رسالت، "نبی" نیز هست و این دو مقام عموم و خصوص مطلق هستند. علامه آیات زیر را به عنوان شاهد نظر خویش ذکر کرده است:

۱- «وَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُوْلٍ وَّ لَا نَبِيٍّ» (حج/۵۲). خدای متعال برای دو عنوان "رسول" و "نبی" تعبیر "ارسلنا" آورده و هر دو را مرسل و مأمور به تبلیغ خوانده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۹/۲) که نشان می دهد انبیا هم رسالت دارند و فقط حامل خبر نیستند (قرشی، ۱۴۱۲: ۸/۷).

۲- «فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيِّْنَ مُبَشِّرِيْنَ وَّ مُنذِرِيْنَ» (بقره/۳۱۲). در این آیه همه مبعوثین، "نبی" خوانده شده اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱۰/۲).

۳- «وَ لٰكِنْ رَسُوْلَ اللّٰهِ وَّ خَاتَمَ النَّبِيِّْنَ» (احزاب/۴۰). در این آیه پیامبر اسلام (ص)، هم رسول و هم نبی خوانده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱۰/۲).

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

نقد: اگرچه آیات ذکر شده، شاهد خوبی برای نظر دوم هستند، ولی این اشکال وجود دارد که اگر این نظر را بپذیریم مطلق مبعوث را "نبی" گویند. روایات شاهد نظر نخست مثل روایت پیامبر بودن، حضرت محمد (ص) در هنگامی که حضرت آدم (ع) هنوز گل بود و عمل آن حضرت (ص) پیش از بعثت به شریعت خویش، توجیهی پیدا نخواهند کرد؛ یعنی در زمانی که حضرت آدم هنوز پدید نیامده بود، تبلیغ معنا نداشت و اگر آن حضرت پیش از بعثت، نبی بوده، از نظر تاریخی بدیهی است که در آن زمان، آن حضرت کار تبلیغی انجام نمی‌داده است. بنابر این، نظر دوم نیز همانند نظر نخست، نظری کامل و صحیح نیست.

بررسی و نقد نظر سوم

فانلان به نظر سوم می‌گویند: "رسول" و "نبی" هر دو فرستاده خدا به سوی مردم هستند (خالصی، ۱۳۸۱: ۲۸۲ حاشیه) و تفاوت آنها در این است که "نبی" برانگیخته شده تا به مردم اخبار غیبی که نزد خود دارد، خبر دهد؛ زیرا از آنچه نزد خداست، آگاه است و رسول با رسالتی ویژه و افزون بر اصل اخبار پیامبری فرستاده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲). این معنا را آیات قرآن تأیید می‌کند، از جمله آیات:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ» (هر امتی رسولی دارد، پس هنگامی که پیامبرشان - در قیامت - به سویشان آید، در میانشان به عدالت و انصاف داوری شود و مورد ستم قرار نخواهند گرفت) (یونس/۴۷).

«مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ تَبْعَثَ رَسُولًا» (ما بدون اینکه رسولی بفرستیم، عذاب نمی‌کنیم) (الإسراء/۱۵).

بنابر این، نبی کسی است که برای مردم صلاح دنیا و آخرت ایشان و اصول و فروع دین را به اقتضای عنایت الهی برای هدایت مردم به سوی سعادت تبیین می‌کند، ولی رسول دارای رسالت ویژه‌ای است شامل اتمام حجتی که مخالفت با آن هلاکت یا عذاب یا امثال آن را در پی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲).

نظر سوم، مقتضای جمع میان دلایل دو نظر نخست و دوم است. زیرا واژه "نبی" ناظر به ارتباط شخص با وحی الهی و وجهه علمی پیامبر و واژه "رسول" ناظر به ابلاغ وحی الهی و

علمی است که به او می‌رسد؛ همچنین پذیرش نظر سوم، مشکلی را که پذیرش نظر نخست در معنای آیه: «وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» پدید می‌آورد، حل می‌کند؛ زیرا در قرآن کریم، مراد از دو کلمه "رسول" و "نبی" همان معنای لغوی آنها است، نه دو اسمی که از معنای لغوی خود تغییر معنا داده باشند. در نتیجه معنای این آیه چنین می‌شود: او رسولی با خبر از آیات خدا و معارف او بود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۰/۲).

این نظر، با داشتن شواهد قرآنی و روایی و نیز هماهنگی با معنای لغوی، به عنوان معنای اصطلاحی، به صحت نزدیک و قابل پذیرش است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که در کاربرد قرآنی، "نبی" و "رسول" هر دو آگاهی یافته از سوی خدا و فرستاده او هستند، ولی رسول دارای رسالت ویژه‌ای است، شامل اتمام حجتی که مخالفت با آن هلاکت یا عذاب یا امثال آن را در پی دارد. بر این اساس، هرگاه حضرت خاتم الانبیا (ص)، در قرآن کریم با عنوان "يا أَيُّهَا النَّبِيُّ" مورد خطاب قرار گرفته باشد، "اشراف و برتری علمی" آن حضرت (ص) مورد توجه بوده است و خدای متعال خواسته بفرماید: "ای خبر گیرنده و خبر دهنده از سوی خدا که به وسیله علم الهی نسبت به دیگران برتری و اشراف داری" و به اختصار به کارگیری ترکیب "ای پیامبر برجسته" و هر جا خطاب به صورت "یا ایها الرسول" آمده، "حیثیت تبلیغی" آن حضرت از جهت فرستاده بودن، مورد نظر بوده و به اختصار به کارگیری ترکیب "ای پیامبر فرستاده" شایسته است.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات سروش.
۲. ابن سراج، محمد بن السری. (بی‌تا). الاصول فی النحو. تحقیق: عبدالحسین الفتلی. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر تونسسی. (۱۹۸۴ م). التحرير و التئوير. تونس: الدار التونسية للنشر.

بررسی تطبیقی تفسیر خطابه‌های "یا أَيُّهَا النَّبِيُّ" و "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ" در قرآن کریم

۴. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۵. ابن عیاش، عیاش بن علی. (۱۴۲۲ هـ). شرح المفصل للزمخشری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۶. ارفع، سید کاظم. (۱۳۸۱). ترجمه قرآن. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
۷. اشرفی تبریزی، محمود. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات جاویدان.
۸. انصاری خوشایر، مسعود. (۱۳۷۷). ترجمه قرآن. تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۹. انصاریان، حسین. (۱۳۸۳). ترجمه قرآن. قم: انتشارات اسوه.
۱۰. برزی، اصغر (۱۳۸۲). ترجمه قرآن. تهران: بنیاد قرآن.
۱۱. بروجرودی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶ ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات صدر.
۱۲. بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن الرباط. [بی تا]. نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. قاهره: دار الکتب الإسلامیة.
۱۳. بنت الشاطی، عائشه عبدالرحمن. (۱۳۷۶). اعجاز بیانی قرآن. ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴ ق). ترجمه قرآن. تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
۱۵. حریری، محمد یوسف. (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات قرآنی. قم: هجرت.
۱۶. الحفنی، عبد المنعم. (۲۰۰۴ م). موسوعة القرآن العظيم. قاهره: مكتبة مدبولی.
۱۷. حلبی، علی اصغر. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۸. حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی. (۱۴۱۰ هـ). المقتصر من شرح المختصر. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۱۹. خالصی، محمدباقر. (۱۳۸۱). سیری در معارف اسلامی. قم: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
۲۰. خواجوی، محمد. (۱۴۱۰ ق). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات مولی.
۲۱. زرکشی، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۰ هـ). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۲۲. ----- (۱۴۱۴ هـ). البحر المحیط فی اصول الفقه. [بی جا]: دارالکتبی.
۲۳. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ هـ). الإیتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الکتب العربیة.
۲۴. شرف الدین، جعفر. (۱۴۲۰ هـ). الموسوعة القرآنیة، خصائص السور. بیروت: دار التقرب بین المذاهب الإسلامیة.
۲۵. شریفی، مهین. (۱۳۸۷). پژوهشی در خطاب‌های خداوند به پیامبر در قرآن، بینات، ۱۵(۳)، ۸۷-۹۹.
۲۶. شعرانی، ابو الحسن. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات اسلامیة.
۲۷. طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات قلم.
۲۸. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ هـ). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. گروه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی.
۳۰. طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۸ م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۱. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۵۲ ش). کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.

دوفصلنامه دانشگاه قم: سال دوم شماره اول - بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۳

۳۲. عسگری، انسیه و شاکر، محمدکاظم. (۱۳۹۴). تفسیر تطبیقی؛ معنایابی و گونه‌شناسی. دوفصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، (۲۱)، ۹-۳۲.
۳۳. فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۹). ترجمه قرآن. تهران: انجام کتاب.
۳۴. فرحات، احمد حسن (۱۴۲۱ ق). فی علوم القرآن. عمان: دار عمان.
۳۵. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ ق). ترجمه قرآن. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۳۶. فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۸). ترجمه و تفسیر قرآن عظیم. تهران: انتشارات فقیه.
۳۷. قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸ ه). محاسن التاویل معروف به تفسیر قاسمی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۸. قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ ه). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۰. کاویانپور، احمد. (۱۳۷۸). ترجمه قرآن. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
۴۱. مجتبی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۱). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات حکمت.
۴۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ ه/الف). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۴۳. ----- (۱۴۰۴ ه/ب). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۴. محسنی رکاوندی، هادی. (۱۳۸۶). بررسی نوع خطاب‌های خداوند به انبیاء (ع). نشریه بلاغ مبین، شماره ۱۱ و ۱۲، ۳۵-۵۲.
۴۵. مشکینی، علی. (۱۳۸۱). ترجمه قرآن. قم: الهادی.
۴۶. مصباح زاده، عباس. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان.
۴۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). آشنایی ب قرآن. قم: انتشارات صدرا.
۴۸. معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲). ترجمه قرآن. قم: انتشارات اسوه.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). ترجمه قرآن. قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۵۰. موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات قدیانی.
۵۱. میرزا خسروانی، علی رضا. (۱۳۹۰ ق). تفسیر خسروی. تهران: انتشارات اسلامیه.
۵۲. نجار، علی. (۱۳۸۱). اصول و مبانی ترجمه قرآن. رشت: کتاب مبین.
- الهی قمشهای، مهدی. (۱۳۸۰). ترجمه قرآن. قم: انتشارات فاطمه الزهراء.